خبر

نگاهی به ماجرای ۲ مرگ مشکوک در ۲۴ساعت گذشته

قتل یا مرگ طبیعی پدر ۸۵ساله



کوچک‌زاده| چه کسی پدر را کشته است؟! این سؤالی است که فرزندان مرد هشتادوپنج‌ساله از یکدیگر می‌پرسند و به هم مظنون هستند؛ پیرمردی که در این سن‌وسال بیمار بود و روزهای آخر عمرش را در منزل یکی از فرزندان پسرش می‌گذراند. او هشت فرزند داشت که مدت‌ها بود در دو جبهه روبه‌روی هم قرار گرفته بودند و نسبت به هم زاویه داشتند. دراین‌بین، پدر خانواده همه مال‌واموالش را به‌نام همسرش زده بود؛ مادری که با یک گروه از فرزندان رابطه بهتری داشته است. اما حالا با مرگ پیرمرد در منزل پسرش در قاسم‌آباد، فرزندان خانواده یکدیگر را به قتل پدرشان متهم می‌کنند. درهرصورت با اعلام فوت مشکوک این پیرمرد، بررسی این پرونده در اختیار دکتر صادق صفری، بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه۲ مشهد، قرار گرفته است.

این یکی از پرونده‌های مرگ مشکوک در روزهای گذشته بوده است. در حادثه مرگ‌بار دیگری در این سوی شهر، مرد جوان قربانی برق گرفتگی شد و جانش را از دست داد. در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر مرگ مشکوک در محدوده خیابان حر، بلافاصله مأموران انتظامی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. برابر بررسی‌های مأموران کلانتری شهیدباهنر، مردی بیست‌وهفت‌ساله که متصدی یک کارواش اجاره‌ای در محدوده شهرک باهنر بود، در یک گاراژ هنگام روشن کردن دستگاه کارواش به دلایلی نامعلوم دچار برق گرفتگی می‌شود و در مسیر انتقال به بیمارستان به‌دلیل شدت صدمات واردشده جانش را از دست می‌دهد.

درباره این دو حادثه، با دستور قاضی صفری، دو جسد برای بررسی علت فوت به پزشکی قانونی فرستاده شده‌اند و تحقیقات تکمیلی برای بررسی علت دقیق حادثه‌ها ادامه دارد.

خبر

سارق عشق تلویزیون به دام افتاد



دندانساز| فکر می‌کرد با انداختن کیسه ضایعات روی دوشش دیگران به حال اودل می‌سوزانند و با دیدن قدوقامت درهم‌شکسته‌اش از اعتیاد، دیگر کسی به او کاری نخواهد داشت. آنچه دنبالش می‌گشت، در همه خانه‌ها پیدا می‌شد، فقط باید خانه‌های خالی را زیر نظر می‌گرفت. حتی به منزل دوستش که با اورفت‌وآمد خانوادگی داشت هم رحم نکرده بود و با اطلاع از نبود او و خانواده‌اش، از فرصت استفاده و هدفش را عملی کرده بود. یک بار هم برای رسیدن به هدفش، منزل یکی از همسایه‌هایش را که در مسافرت بود، در نظر گرفته بود. اما طولی نکشید که بالاخره دستش رو شد، آن هم وقتی که در حال پرسه‌زنی در یکی از خیابان‌های محدوده صاحب‌الزمان(عج) بود.

ماجرا این‌طور شروع شد که دو تن از شهروندان خیابان سناباد و صاحب‌الزمان(عج)، سرقت لوازم منزل خود را به نیروی انتظامی گزارش دادند. در پی این گزارش، سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد، بررسی این موضوع را در دستور کار گروهی از مأموران پایگاه جنوب پلیس آگاهی شهر مشهد قرار داد. در بررسی سرقت‌ها مشخص شد سارق شبانه با ورود به دو منزل، تلویزیون آن‌ها را سرقت کرده است. البته این فقط بخشی از سرقت‌های او بود. کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت با اثربرداری از محل سرقت و بازبینی دوربین‌های مداربسته محدوده سرقت، سارق را که در پوشش ضایعاتی به این دو منزل دستبرد زده بود، شناسایی کردند. چند روز کنترل نامحسوس ادامه یافت تا سرانجام این فرد را در حال پرسه‌زنی در یکی از خیابان‌های محدوده خیابان صاحب‌الزمان(عج) مشاهده و او را در اقدامی ضربتی قبل از فرار دستگیر کردند. در بازرسی از این فرد، در داخل جیبش دو دسته کلید پیدا شد.

متهم سی‌وهشت‌ساله که فردی سابقه‌دار است و در گیر اعتیاد، در بازجویی‌های اولیه منکر هرگونه جرمی بود و حتی هویت اصلی خودش را افشا نمی‌کرد، اما در ادامه تحقیقات و روبه‌روشدن با ادله پلیس و مستندات، به هفت فقره سرقت از منازل اعتراف کرد. در همه این سرقت‌ها، تلویزیون مال باخته‌ها را به سرقت برده بود، سرقت‌هایی در محدوده خیابان صاحب‌الزمان(عج)، کلاهدوز، شهرک رجایی و خیابان شهیدرستمی. متهم همچنین به فروش اموال مسروقه به دوستش که انبار ضایعاتی داشته است، اعتراف کرد.

در ادامه این عملیات، ضمن دستگیری فرد مال‌خر، در بازرسی از مخفیگاه او و سارق در منطقه شهرک شهید رجایی، سه دستگاه تلویزیون همراه با دیگر لوازم برقی سرقتی از قبیل اتوبرقی، جاروبرقی، آب‌میوه‌گیری و هم‌زن نیز کشف شد. متهم و مال‌خر پس از بازجویی‌های تکمیلی و سیر مراحل قانونی با صدور حکمی روانه زندان شدند.

گفت‌وگو با مردی ۵۷ساله که به خاطر زن صیغه‌ای، همسرش را با ضربه چاقو به قتل رسانده است

به من حمله کرد، چاقو در گردنش فرو رفت

مهدی قرآنی

گزارش

خودش می‌گوید بیماری اعصاب و روان دارد و در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶ برای مدتی کوتاه در بخش اعصاب و روان یکی از بیمارستان‌های مشهد که اسمش را نمی‌گوید، بستری و تحت درمان بوده است. مدعی است اختلافاتش با زن مرحومش خیلی وقت است که ادامه داشته؛ اما آنچه در پرونده‌اش قید شده، طبق گفته پسر و دختر جوانش، وجود زن صیغه‌ای در زندگی آرام آن‌ها بوده که موجب بروز اختلافات و درگیری‌های پدر و مادرشان شده است. آتشی که در ظهر پنجمین روز خردادماه درست سر سفره ناهار اوج می‌گیرد و همه اعضای خانواده را می‌سوزاند. ضربه چاقو تا ۱۰ سانتی‌متر در گردن زن میان‌سال فرومی‌رود و تا مرد به خودش بیاید، خانه خون گرفته آن‌ها بوی مرگ می‌گیرد. حالا اما بعد از گذشت سه ماه تحقیقات پلیسی و قضایی، صبح دیروز متهم «ع.ص» برای تحقیقات پایانی پرونده روانه دادسرا شد و برابر قاضی صادق صفری، بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه۲ مشهد، قرار گرفت تا آخرین دفاعیاتش را مطرح کند. دراین‌بین، پس از تمام‌شدن جلسه بازپرسی به سراغش می‌روم تا گفته و ناگفته‌هایش را درباره روز جنایت بپرسم. شرح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

چند سال دارید؟

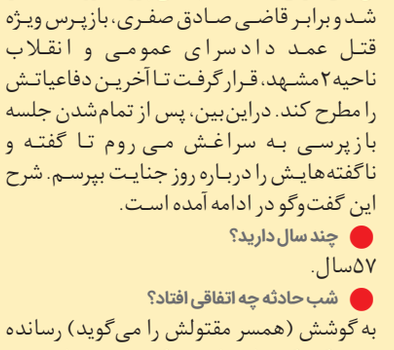
۵۷سال.

شب حادثه چه اتفاقی افتاد؟

به گوشش (همسر مقتولش را می‌گوید) رسانده بودند که یک خانم را صیغه کرده‌ام. دو ماهی بود که روی اعصابم راه می‌رفت. آن روز (پنجم خرداد) سروصدا راه انداخته بود که من آمدم پایین. داشت سیب‌زمینی پوست می‌کند تا ناهار درست کند. دعوایمان بالا گرفت. او (مقتول) و دخترم با قابلمه تفلون به سرم زدند. من هم اعصابم به‌هم ریخت و به آشپزخانه رفتم و از داخل کشوی کابینت، چاقو را برداشتم که بترسانمش، اما چاقو خورد به او.

از کی با همسر صیغه‌ای‌تان آشنا شدید؟

سه ماه است.



همسر موقتتان چند سال دارد؟

۳۵سال.

کجا با هم آشنا شدید؟

در املاک.

املاک؟ مغازه خودتان منظورتان است؟

مغازه املاک داشتم. همان زمان با او آشنا شدم.

از زمان آشنایی‌تان بگویید؟

او (همسر موقت) از شوهرش جدا شده بود و دنبال خانه‌ای برای اجاره می‌گشت. وقتی جای من آمد، خانه‌ای برایش دست‌وپا کردم و بعد هم او را صیغه کردم.

همسر موقتتان فرزند هم دارد؟

بله، دو تا.

آن‌ها هم از رابطه شما و مادرشان خبر داشتند؟

بله، متوجه شده بودند.

مشکلی با این ماجرا نداشتند؟

خیر.

با او مسافرت هم رفته‌اید؟

بله، چندبار رفتم.

شما ظاهرا به کشور ترکیه هم سفر داشته‌اید؟ تفریحی بوده است یا کاری؟

بله، تفریحی بود. من هر سال می‌روم.

چرا همسر و فرزندانتان را به این سفرها نمی‌بردید؟ همین رفتار شما باعث سوءظن نمی‌شود؟

تنهایی می‌رفتم دیگر. هیچ وقت آن طور جاها (ترکیه) حاضر نیستم دختر و همسرم را ببرم. دلیل نمی‌شود که برای قصد خاصی به ترکیه رفته باشم.

دخترتان می‌گوید همین رفتار شما و خوش‌گذرانی‌های تک‌نفره موجب اختلاف با همسر مرحومتان شده است؟ بهتر نبود که در این سفرها آن‌ها را هم همراه خود می‌بردید؟

من در این زندگی یک روز خوش نداشته‌ام. هشت سال می‌شد که با همسرم مشکل داشتم. اصلا چرا باید بروم یک زن دیگر بگیرم.

مشکلات زندگی با همسر مرحومتان سر چه چیزهایی بود؟

به من نمی‌رسید و مدام گیرهای الکی می‌داد.

روز حادثه شما رفتید داخل آشپزخانه، چرا کفگیر برنداشتید یا ملاقه؟ چرا صندلی میز ناهارخوری را برای دفاع از خود برنداشتید؟ چرا چاقو آن هم چاقویی به اندازه ۲۰سانتی متر؟

حواسم نبود. کشو را باز کردم و چاقو به دستم آمد.

چرا به گردنش ضربه زدید؟

چاقو را برداشتم که او را بترسانم. قصد کشتنش را نداشتم.

مگر نمی‌گویید که قصد برداشتن چاقو را نداشتید.



پس چطور می‌خواستید با چاقو او را بترسانید؟

عصبانی بودم و نمی‌توانستم درست تصمیم بگیرم. چاقو را برداشتم که او را بترسانم، اما همسرم جلو آمد تا با قابلمه تفلون به سرم بزند که چاقو به گردنش خورد. من به او چاقو نزدم.

دختر بیست‌وپنج ساله‌تان در صحنه حادثه بوده و همه چیز را دیده است. او می‌گوید با چاقو به گردن مادرش ضربه زدید؟

نه، من ضربه نزدم. اصلا به او نزدم.

چاقو را چگونه در دست گرفته بودید؟

(دست راستش را بالا می‌آورد، به‌طوری که اگر چاقو را به دستش بدهید، شکل ظاهری آن شبیه به کلنگ می‌شود. در این حالت به‌نوعی چاقو بر بدن فرود می‌آید که انگار با کلنگ بر زمین بکوبید.) چاقو را برداشتم، تیغه آن رو به جلو و به سمت همسرم بود و دستم را هم بالا گرفته بودم.

همسرتان چگونه خودش با چاقو برخورد کرده است؟ درصورتی که گزارش معاینات پزشکی قانونی حاکی از آن است که تیغه چاقو ۱۰سانتی متر در گردن همسرتان فرو رفته است؟

من قصد کشتنش را نداشتم. گفتم که خودش جلو آمد تا با قابلمه تفلون به سرم بکوبد که چاقو به او فرو شد.

آن لحظه چه کار کردید؟

دستم را روی گردنش گذاشتم تا مانع از خون‌ریزی شوم. بعد هم با اورژانس، خودم رساندمش به بیمارستان که متأسفانه تمام کرد. بعد هم به من دست‌بند زدند و مرا بردند.

پیش‌تر از این هم با همسر مرحومتان درگیری داشتید؟

بله، ما خیلی اختلاف داشتیم با همدیگر و درگیر بودیم.

فکر می‌کنید فرزندانتان از خون مادرشان بگذرند؟

خوشم (در گویش مشهدی به مادرزن می‌گویند) و پسرم رضایت دادند. دخترم اما می‌گوید مرا قصاص کنند. او هم شوهرش پرش می‌کند، وگرنه رضایت می‌دهد. دخترم همه مدارک مرا پنهان کرده است و حتی نمی‌گذارد پسرم به ملاقاتم بیاید. بعد هم من مشکل اعصاب دارم و داغونم. دست خودم نبوده است.

همسر موقتتان هم از این ماجرا اطلاع دارد؟

بله. البته مدت عقدمان تمام شده است.

ظاهرا او هم از عملکرد شما گله‌مند است؟

چه گلایه‌ای؟

می‌گوید به او نمی‌رسیدید؟

نه، این‌طور نبوده است.

حرف آخر؟

می‌خواهم در زندان با خواهرم صحبت کنم، اما تابه‌حال نتوانسته‌ام. حاضرم همه‌دارایی‌ام را بدهم به دختر و پسرم تا بیایند و رضایت بدهند.



گزارش ارتکاب این جنایت در هفتم خرداد با عنوان «جنایت با ضربه کلنگی چاقو» در صفحه حوادث روزنامه شهرآرا به چاپ رسیده است. حادثه‌ای دل‌خراش که در آن مرد پنجاه‌وهفت ساله ظهر جمعه پنجم خرداد در خانه مسکونی‌اش به‌دلیل اختلافاتی که با همسر چهل‌وهفت‌ساله خود داشته است، پس از یک درگیری لفظی و فیزیکی با چاقوی آشپزخانه حدود ۲۰سانتی متری ضربه‌ای مهلک به گردن همسرش وارد می‌کند. ضربه‌ای شدید که طبق نظر کارشناسان پزشکی قانونی به صورت کلنگی در قسمت قاعده گردن به عمق ۱۰سانتی متر فرو رفته و به دلیل پارگی رگ‌های اصلی، مرگ زن را به‌دنبال داشته است. زن میان‌سال با وجود اقدامات پزشکی در بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد جانش را از دست می‌دهد. پرونده نیز پس از رسیدگی‌های پلیسی و قضایی و بازسازی صحنه جرم در خانه مقتول در خیابان بهمن۴، روز گذشته برای آخرین بار در شعبه بازپرسی قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه۲ مشهد رسیدگی می‌شود. با پایان این جلسه و اظهارات نهایی متهم در روزهای آینده کیفرخواست صادر و پرونده برای رأی نهایی تقدیم دادگاه خواهد شد.

عکس: شهرآرا

جدول ۳۸۳۰

